

حضرت سید الشهداء
امام حسین علیه السلام
مصباح هدایت
حضرت آیت الله العظمی صافی

بسم الله الرحمن الرحیم

عاشورائیان

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

انتشارات حضرت معصومه (سلام الله علیها)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عاشورائیان

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی، لطف‌الله، - ۱۲۹۷

عنوان و نام پدیدآور : عاشورائیان/ تالیف لطف‌الله صافی گلپایگانی

مشخصات نشر : قم: موسسه انتشارات حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها، ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری : ص ۴۷۲

شابک : ۹۶۴-۶۱۹۷-۳۳-۰۷۱۶۰۰ریال ؛ ۹۶۴-۶۱۹۷-۳۳-۰۷۱۶۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : کتاب حاضر در سال ۱۳۵۵ تحت عنوان" عاشورائیان "توسط انتشارات صدر منتشر شده است

یادداشت : کتابنامه: ص. ۴۶۴ - ۴۶۱

عنوان دیگر : عاشورائیان

موضوع : حسین‌بن علی(ع)، امام سوم، ق ۶۱ - ۴

رده بندی کنگره : BP۴۱/۴/ص۲پ۴ ۱۳۷۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۳

شماره کتابشناسی ملی : م۷۹-۴۳۴۲

مقدمه

وجود نازنین حضرت سید الشهداء خامس آل عبا (ع) مظهر کامل همه زیبایی‌ها و دلربایی‌هاست. آن حضرت حقیقتی بزرگ است که مردمان گیتی در برابر عظمت روح و علوّ همّت او سر تسلیم فرود آورده و خضوع کرده‌اند. بی‌تردید در نهضت حسینی کمال عبودیت، سلم محض و اطاعت بی‌چون و چرا از احکام الهی و اوج اتّصاف به مکارم اخلاق و فضایل انسانی را می‌توان یافت.

عاشورا مدرسهٔ عشق، ایثار و جانفشانی در راه حفظ دین و ادای تکلیف شرعی و کربلا کعبه‌ی آمال و مجمع اسوه‌های کمال برای اقشار مختلف جامعه اسلامی است. روز حسین، روزی شد که هرگز گذشت ازمنه و اعصار، آن را از یاد نخواهد برد.

میدان کربلا میدان نبردی بود که صحنه جهاد و جنگ همان زمین کربلا نبود و نبرد تنها، نبرد آن اشخاصی که در آنجا با هم روبرو شدند نبود، بلکه نبرد، نبرد حق و باطل و اسلام و کفر بود و اگر اهل حق عقب‌نشینی می‌کردند، عقب‌نشینی آنها در همانجا و در آن روز به پایان نمی‌رسید و برای آیندگان و نسل‌های آتیه آثار خطرناک و مأیوس‌کننده داشت؛ زیرا تماشاکنندگان آن صحنه‌ی خونین، تنها مردم دنیای معاصر آنها و مسلمان‌های آن زمان نبودند بلکه تماشاگران آن صحنه، تمام ملل اسلام و توده‌های مظلوم و محروم و در مرور اعصار بوده و هستند، لذا حسین علیه‌السلام و یارانش آن استقامت عجیب و حیرت‌افزا را در آن میدان بلانشان دادند و دشمن بدن‌های پاک آنها را پاره پاره ساخت ولی بر روح و اراده و نیت و هدف آنها دست نیافت.

امام حسین علیه‌السلام شخصیتی فرامکتبی است و در میان شیفتگان عظمت امام حسین علیه‌السلام از پیروان ادیان مختلف و ملّیت‌های گوناگون می‌توان دریافت که هرکدام جذب جلوه‌هایی از مکارم بی‌نظیر شخصیت ممتاز آن حضرت شده‌اند.

در این نوشتار به فضائل و مکارم اخلاقی و علل و نتایج قیام آن حضرت اشاره خواهد شد.

محرم الحرام ۱۴۳۰

لطف الله صافی

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۹

فصل اول: سیمای درخشان حضرت سید الشهداء علیه السلام در قرآن

۱. آیه مودّت

قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ اجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی (شوری/ ۲۳)
بگو من از شما اجر رسالت نمی‌خواهم جز مودّت و دوستی خویشاوندانم.
آنگاه که آیه (قُلْ لا اسْئَلُکُمْ ...) نازل شد، گفتند: ای پیامبر خدا! کیستند این خویشاوندان تو، که واجب گردیده بر ما مودّت و دوستی آنان؟ فرمود: علی و فاطمه و دو پسر آنها.
شافعی گفته است:
یا أَهْلَ بَیْتِ رَسولِ اللّهِ حُبُّکُمفرْضٌ مِنَ اللّه فِی الْقُرانِ أَنْزَلَهُ
کَفاکُمْ مِنْ عَظیمِ الْقَدْرِ انَّکُمَنْ لَم یُصِلِّ عَلَیْکُمْ لا صَلوه لَهُ
«ای خاندان پیامبر! محبّت شما فریضه‌ای است که خداوند در قرآن نازل کرده است، همین قدر در عظمت شما کافی است که اگر کسی بر شما (در نماز) صلوات نفرستد، نمازش باطل است».

۲. آیه تطهیر

انَّما یُریدُ اللّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُم الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً (احزاب/ ۳۳)
همانا خدا چنین می‌خواهد که رجس و هر آلایش را از شما خانواده
نبوّت ببرد.
حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۰
و شما را از هر عیب پاک و منزه گرداند.
بر حسب احادیث متواتر و مشهور بین شیعه و سنّی آیه تطهیر در مورد اجتماع آن پنج شخصیت ممتاز عالم آفرینش در زیر کساء، و دعاء و صلوات پیامبر صلی الله علیه و آله بر آنها که دفعات متعدد در منزل پیامبر صلی الله علیه و آله و در خانه فاطمه زهرا سلام الله علیها و در حجره امّسلمه، و بعضی اماکن دیگر اتفاق افتاد، نازل شد و آیه شریفه و احادیثی که در تفسیر آن وارد شده دلالت بر عصمت و جلالت شأن حضرت سیدالشهداء علیه السلام دارند.
پس پیامبر زیادتی کسا را گرفت و آنها را با آن پوشانید. سپس دستش را بیرون آورد و اشاره به آسمان کرد و گفت:
اللّهُمَهؤلاءِأَهْلِ بَیْتی، وَحامَّتی (أی خاصَّتی) فَاذْهَبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطهیراً
خدایا اینان اهل بیت و خاصان من هستند پس از ایشان هر رجس و آلایش را دور گردان، و ایشان را پاکیزه کن پاکیزه کردنی.

۳. آیه مباهله

فَمَنْ حاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ مَا جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوا نَدْعُ ابْناءَنَا وَ ابْناءَکُم وَ نِسَاءَنا وَ نِسَاءَکُمْ وَ انْفُسَنا وَ انْفُسَکَمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللّه عَلَی الْکاذِبِینَ (آل‌عمران ۶۱)

از جمله آیاتی که بر فضیلت و بلندی رتبه و مقام سیدالشهداء علیه السلام به اتفاق مسلمانان گویا و ناطق است آیه مباهله است.

شرکت‌دادن علی و حسن و حسین و فاطمه زهرا سلام الله علیها در مباهله که به تعیین و امر خداوند بود نیز دلیل بر این است که این چهار نور مقدس که با پیامبر در مباهله حاضر شدند، شایسته‌ترین و گرامی‌ترین خلق در نزد خدا، و عزیزترین همه در نزد پیامبر خدا بوده‌اند. آیه‌ی مباهله اعلان جلالت مقام، و تقرب خاصّ آنها به خداوند متعال است.

پس این فضیلت برای امام حسین علیه السلام از فضایل بسیار بزرگی است که در چنین مراسم با اهمیت و تاریخی، همکار و همراه پیامبر شود، و از میان تمام امت از صغیر و کبیر و زن و مرد، او و پدر و مادر و برادرش را خدا انتخاب نماید.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۱

فصل دوم: سیمای حضرت سید الشهداء علیه السلام در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. حسین، سیّد جوانان اهل بهشت

پیامبر صلی الله علیه و آله مکرّر حسن و حسین را به این صفت معرفی فرموده:

الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ سَیِّدا شَبابِ اهْلِ الْجَنَّةِ

حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت‌اند.

و در بعضی روایات این جمله نیز مذکور است:

وَ ابُوهُما خیْرٌ مِنْهُما

و پدرشان از آنها بهتر است.

۲. حسین، محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله

حُسَیْنٌ مِنّی وَ انَا مِنْ حُسَیْن

رسول خدا صلی الله علیه و آله، حسن و حسین‌علیهم السلام را بسیار دوست می‌داشت، و نسبت به آنها فوق العاده اظهار علاقه و عطوفت می‌کرد.

روایات و تواریخ بر این اتفاق دارند که آن حضرت علی و فاطمه و حسنین علیهما السلام را از تمام مردم و کسان و نزدیکان خود بیشتر دوست می‌داشت و دوستی آنها یک دوستی ساده پدر نسبت به فرزند نبود؛ بلکه ریشه آن بر علائق و مبانی عمیق و یگانگی روحی استوار، و رمز یک اتحاد و اتصال ناگسستنی معنوی و توافق کامل فکری بود که تعبیر فرمود:

انَّهُمْ مِنّی وَ انَا مِنْهُمْ

ایشان از من هستند، و من از ایشان، اشاره‌ای به آن می‌باشد.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۲

۳. حسین، ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله

حضرت علی علیه السلام، ابن عمر، ابوهریره، سعیدبن راشد، و ابوبکره روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

انَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنُ هُما رَیْحانَتای مِنَ الدُّنیا

حسین و حسین دو ریحانه من از دنیا هستند.

۴. حسین شبیه ترین اهل بیت به پیامبر صلی الله علیه و آله

وقتی سر حسین بن علی علیه السلام را نزد عبیدالله بن زیاد آوردند سر مطهّر را در طشتی قرار داد، و با شمشیر یا چوب دستی خود بر آن چشم و بینی نازنین می‌زد، و می‌گفت روئی به این زیبائی ندیده‌ام. انس بن مالک گفت: آگاه باش که او شبیه پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

۵. پیامبر صلی الله علیه و آله حسین علیه السلام را می بوسید

یکی از مظاهر محبت و عاطفه پدر و مادر نسبت به فرزند، بوسیدن او است. در جاهلیت، و پیش از ظهور آفتاب درخشان هدایت اسلام ارزش عاطفه و احساسات پاک انسانی مخصوصاً در عرب‌ها از میان رفته بود. رَحم، مهر، رأفت، رحمت و رقّت قلب را یک نوع ضعف نفس شمرده، و سخت دلی را افتخار می‌دانستند، پیامبر صلی الله علیه و آله حسین را به آن بوسه شیرین و لذیذ می‌بوسید چون جانش گنجینه معانی و حقایق بزرگ بود، و آنگاه که می‌فرمود:

اللّهُمَّ احِبَّهُ فإنّی احِبُّه

خدایا او را دوست بدار چون من او را دوست می دارم.

گوئی در حالی که به حسین اشاره می کرد به مردم می فرمود:

انَا هُنا

من اینجا هستم. (یعنی مرا پیش حسین بجوئید.)

۶. پیامبر صلی الله علیه و آله حسین رابه دوش می‌گرفت

ابوسعید در «شرف النبوه» روایت نموده که پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود که

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۳

حسن و حسین بسوی او آمدند چون پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را دید برای ایشان برخاست، و آمدنشان را دیر شمرد (یعنی فرمود دیر آمدید یا چرا دیر آمدید؟) پس از آنها استقبال کرد، و آنها را بر دوش خود گذارد و فرمود:

نِعْمَ الْمَطِی مَطِیَّتُکما، وَ نِعْمَ الرّاکِبانِ انْتُما

خوب مرکبی است مرکب شما، و خوب سوارهائی هستید شما

۷. دوستی حسین علیه السلام واجب است

احادیث در وجوب دوستی و مودت حسین علیه السلام متواتر است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ احَبَّنی فَلْیُحَبَّ هذَیْنِ

هر کس مرا دوست دارد باید این دو را (نیز) دوست بدارد.

۸. فضیلت دوستی حسین علیه السلام و نکوهش دشمنی با آن حضرت

پیامبر اکرم (ص)

فرمود:

مَنْ احَبَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ فَقَدْ احَبَّنی، وَ مَنْ ابْغَضَهُما فَقَدْ ابْغَضَنی

هر کس حسن و حسین را دوست بدارد همانا مرا دوست داشته و هر کس آنها را دشمن بدارد پس البته مرا دشمن داشته است.

۹. نظر نمودن به آقای جوانان اهل بهشت

از جابر انصاری روایت کرده اند که گفت:

سَمِعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: من أحبّ (أو و من سرّه) انْ یَنْظُرَ الی سَیِّدِ شَبابِ اهْلِ الْجَنَّهِ فَلْیَنظُرْ الی هذا.

هر کس دوست می‌دارد یا شادمان می‌شود که به سیّد جوانان اهل بهشت نگاه کند به حسین علیه السلام نگاه کند.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۴

۱۰. دوستان حسین علیه السلام اهل بهشتند

از پیامبر صلی الله علیه و آله در فضایل حسنین علیهم السلام روایت شده که در پایان آن می‌فرماید: «خدایا تو می‌دانی که حسن و حسین و عمو و عمه ایشان در بهشتند، هر کس آنها را دوست دارد در بهشت است، و هرکس آنها را دشمن بدارد در آتش است».

۱۱. درجه وسیله

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

فِی الجنّه دَرَجه تُدعَی الوَسیلَه فَإذا سَألتم اللهَ فَسلوا الَی الوَسیلَه قَالوا: یا رَسُولَ الله مَنْ یسکن مَعَکَ فیها؟ قَالَ: عَلِی وَ فاطمه وَ الْحسن وَ الْحُسَیْن

فرمود: در بهشت درجه‌ای است که وسیله خوانده می شود پس هر گاه از خدا سؤال کردید پس وسیله را برای من سؤال کنید. گفتند یا رسول الله چه کسی با تو در آن درجه ساکن می گردد؟ فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین.

۱۲. حسین علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در یک مکان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

انَا وَ عَلِی وَ فاطِمَهُ وَ الْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ یَوْمَ الْقِیامهِ فی قُبَّهً تَحْتَ الْعَرْش

من، علی، فاطمه، حسن وحسین در یک قبّه در زیر عرش هستیم.

۱۳. یاری حسین علیه السلام از واجبات است

پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که حسین

در دامانش بود می فرمود:

انَّ ابْنی هذا یُقْتَلُ فی ارْض یُقالُ لَها الْعِراقُ فَمَنْ ادْرَکَهُ فَلْیَنْصُرْه

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۵

به درستی که این پسرم در زمینی که به آن عراق گفته می‌شود کشته می‌شود پس هرکس او را درک کند باید یاریش کند.

۱۴. اول کسی که وارد بهشت می‌شود

از حضرت علی علیه السلام روایت کرده‌اند که پیامبر

به او فرمود:

إن اول من یدخل الجنه انا و انت و فاطمه و الحسن و الحسین قال علی: فَمُحِبُّونا قالَ: مِنْ وَرائِکُمْ

اول کسی که داخل بهشت می‌شود من، تو، فاطمه، حسن و حسین هستیم.

حضرت علی عرض کرد پس دوستان ما؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به دنبال سر شما وارد می‌شوند.

۱۵. حضرت قائم آل محمّد از فرزندان حسین علیه السلام است

حذیفه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

لَو لَمْ یَبقِ مِنَ الدّنیا إلا یَوْم واحِد لَطَوَّل الله ذلک الیَوم حَتی یَبعَثَ رَجلًا مِن وَلَدی إسمُهُ کَإسمی فَقَال سَلمان: مِن أی ولدِکَ یارَسولَ الله؟ قال: مِن ولدی هذا و هذا وَ ضَرَبَ بِیَدِهِ عَلَی الْحُسَیْنِ

اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز خدا آن روز را طولانی سازد تا مردی از فرزندانم را برانگیزد که هم نام من است. آنگاه سلمان عرض کرد: ازکدام فرزندان توست یارسول الله؟ فرمود: از این فرزندم! و دستش را بر حسین زد.

۱۶. حضرت قائم نهمین فرزند حسین علیه السلام است

از سلمان روایت است که گفت: وارد شدم بر پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که حسین بر زانوی مرحمت او بود. پیامبر به او روی می کرد و دهان او را می‌بوسید، و می‌فرمود:

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۶

تو آقا، پسر آقا و پدر آقایانی، تو امام، پسر امام، پدر امامانی، تو حجّت، پسر حجّت، پدر حجّت‌های نه‌گانه‌ای که از صُلب تو هستند نهمین ایشان قائم آنها است.

۱۷. شاخه و میوه درخت نبّوت

از جابر روایت کرده‌اند که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله در عرفات بود و علی روبروی آن حضرت بود. پیامبر اشاره فرمود به من و علی، خدمت او رفتیم پس فرمود:

یا علی! نزدیک من بیا، علی نزدیک رفت، فرمود: دستت را در دست من بگذار! پس فرمود: «یا علی! من و تو از یک درختیم من اصل و ریشه آن، و تو فرع آن؛ و حسن و حسین شاخه‌های آن، هرکس به یکی از شاخه‌های آن متعلّق گردد خدا او را داخل بهشت نماید».

«یا علی! اگر امّت من روزه بگیرند به قدری که مثل کمانها خمیده شوند و نماز بخوانند به قدری که مثل میخ‌ها خشک و بی‌حرکت گردند و تو را دشمن بدارند خداوند آنها را به رو در آتش اندازد».

۱۸. ودیعه پیامبر صلی الله علیه و آله

شبراوی و سبط ابن الجوزی نقل کرده‌اند که وقتی زید بن ارقم به ابن زیاد اعتراض کرد، و گفت: من در زمانی طولانی می‌دیدم پیامبر صلی الله علیه و آله میان این دو لب را می‌بوسید، زید گریست، و ابن زیاد با او درشتی کرد، و او را به کشتن تهدید نمود و گفت: اگر پیر خرفتی نبودی گردنت را می‌زدم.

زید برگشت و به ابن زیاد گفت: حدیثی برای تو بگویم که خشم تو از آن بیشتر شود: دیدم پیامبر صلی الله علیه و آله حسن را بر ران راستش نشانده بود، و حسین را بر ران چپ. پس دست خود را بر سر آنها گذارد، و گفت:

اللّهُمَّ انّی اسْتَوْدِعُهُما ایّاکَ وَ صالِحَ الْمؤمِنینَ

خدایا من این دو و صالح المؤمنین (علی) را نزد تو ودیعه و سپرده گذاردم.

پس ودیعهٔ رسول خدا در نزد تو چگونه است ای پسر زیاد؟ ابن زیاد در خشم شد، و تصمیم به قتل زید گرفت. و نیز سیوطی و مناوی از طبرانی این دعاء را از پیامبر

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۷

صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند.

۱۹. دعای پیامبر صلی الله علیه و آله

طبرانی از واثله روایت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله اینگونه در حق علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام دعا کرد:

وَ رِضْوانَکَ عَلَی وَ عَلَیْهِمْ (یَعنی: عَلِیّاً، وَ فاطِمَةَ، وَ حَسَناً وَ حُسَیْناً)

خوشنودیت را بر من و بر آنها.

۲۰. اشتقاق نام حسین علیه السلام از نام خدای تعالی

سلمان فارسی در ضمن حدیثی روایت می‌کند، که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند از برای ما نام‌هائی از نام‌های خودش مشتق ساخت پس خداوند عزَّوجلَّ محمود است، و من محمّدم، و خداوند اعلی است، و برادرم علی است، و خداوند فاطر است، و دخترم فاطمه است، و خداوند محسن است و دو پسرم حسن و حسین می‌باشند.

۲۱. ارث حسنین از پیامبر صلی الله علیه و آله

حسن و حسین علیهم السلام وارث کمالات علمی، روحی، اخلاقی، و جسمی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. مردم در سیما و رفتار و روش آنها پیامبر را می‌دیدند، و عظمت و روحانیت او را تماشا می‌کردند. چنانکه مکرّر گفته شد وجود پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به حسنین علیهم السلام کانون مهر، اشفاق، نوازش، لطف، و رحمت پدرانه بود. آنها را دوست می‌داشت و می‌بوئید و می‌بوسید، و زبانشان را می‌مکید، بر دوش مبارک خویش سوارشان می‌کرد. شخصاً از آنها پرستاری می‌فرمود. آنها را پسر خود می‌خواند. از گریه‌ی آنها ناراحت می‌شد. آنها را روی سینه خود می‌خوابانید. از شنیدن اسمشان لذّت می‌برد. در کوچه، در خانه، در مسجد، در حضور صحابه و مردم، در هنگام سخنرانی، خطبه و در حال نماز، حسنین علیهم السلام مشمول مراحم مخصوص پیامبر بودند.

بر حسب روایات متعدد که در کتابهای معتبر نقل شده فاطمه زهرا سلام الله علیها در

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۸

مرض موت پدرش، حسن و حسین را نزد آن حضرت آورد، و عرض کرد: یا رسول‌اللّه این دو پسران تو هستند آنها را به بخشش و

عطائی مخصوص فرما، یا به آنها چیزی به ارث عطا کن! پیامبر فرمود: به حسن عظمت و بردباری می‌بخشم، و به حسین جود و مهربانی.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۹

فصل سوم: مکارم اخلاق حضرت سید الشهداء علیه السلام

۱. علم حضرت سیدالشهداء علیه السلام

چنانچه می‌دانیم و تاریخ زندگانی پیغمبر اعظم و ائمه طاهرین بر آن دلالت دارد علم و دانش این بزرگواران موهبت الهی بوده است. پیغمبر رنج دبستان ندید و تعلیم از معلم و استادی نگرفت؛ و به واسطه علم الهی مصدر این همه علوم عالیه و معارف حقیقیه و شرایع محکمه گردید.

نگار من که به مکتب نرفت وخط ننوشت‌به غمزه مسأله آموز صد مدرّس شد

همین‌گونه، علوم علی و سایر ائمه علیهم السلام نیز به افاضه ربّانی و بخشش الهی و تعلیم خاص شخص پیامبر اعظم بود وگرنه کدام مدرسه در آن دنیای پر از جهل و نادانی می‌توانست چنین فارغ التحصیلانی به دنیا تحویل دهد که در علوم و فنون متعدده متشعبه، استاد و از زمان صباوت و کودکی مرجع مردم و علماء در مسائل علمی باشند و تا امروز کلماتشان برای رجال علم حلّال مشکلات گردد.

علی علیه السلام اعلم صحابه بود؛ علم تمام صحابه پیش علم او چیزی شمرده نمی شد و همه به علم او محتاج بودند. او در خدمت پیغمبر و شاگردی او، بی‌مانند و نسخه‌ای مطابق اصل گردید.

بعد از علی علیه السلام این منصب الهی و رهبری علمی و دینی با فرزندانش حضرت امام حسن مجتبی و حضرت امام حسین سیدالشهداء علیه السلام بود. آنها ملجأ و پناه مردم در مسائل اسلامی و علوم تفسیر و احکام شرعی بودند، سخنشان قاطع و مقبول و روششان سرمشق و میزان بود.

علم و دانش آن حضرت از احتجاجات او با دشمنان اهل بیت بخصوص معاویه و مروان، و نامه‌هائی که به معاویه مرقوم فرموده و خطبه هائی که به مناسباتی انشاء نموده و از دعای عرفه، و دعاهای دیگر که از آن حضرت در کتاب‌های شیعه و سنی

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۰

نقل شده ظاهر و آشکار است.

۲. عبادت حضرت سیدالشهداء علیه السلام

ابن عبدالبر و ابن اثیر از مصعب زبیری روایت کرده اند که گفت:

كانَ الْحُسَيْنُ فاضِلًا دَيِّناً كَثيرَ الصَّلاةِ، وَ الصَّوْمِ، وَالْحَجِ

حسین با فضیلت و متمسک به دین بود و نماز و روزه و حج او بسیار بود.

۳. سخاوت حضرت سید الشهداء علیه السلام

جود و بخشش این خاندان ضرب المثل است یکی از فضایل علی علیه السلام که موجب شد آیاتی از قرآن در شأنش نازل شود، انفاق و صدقات آن حضرت در راه خدا بود.

علی و اهـل بیتش در این صـفت، شـهره آفـاق شدنـد و تنها دِرهم و قرص نانی را که داشـتند به فقراء می‌دادنـد و دیگران را بر خود مقدم می‌داشتند و ایثار می‌نمودند. ای بسا که خودشان گرسنه و برهنه به سر بردند و غذا و جامه خود را در راه خدا بخشیدند.

ابن عساکر در تاریخ خود از ابی‌هشام قنّاد روایت نموده که او از بصره برای حسین علیه السلام کالا می آورد، و آن حضرت از جای برنخاسته همه را به مردم می‌بخشید.

۴. ادب و عاطفه حضرت سید الشهداء علیه السلام

حسین علیه السلام در آداب اجتماعی و حسن معاشرت با دور و نزدیک بلند پایه و بی‌نظیر بود. عفو و گذشت از خصال آن حضرت بود.

علی بن الحسین زین العابدین از پدرش حسین علیه السلام گفت: شنیدم می‌فرمود: اگر مردی به من دشنام دهد در این گوش و به گوش راستش اشاره فرمود و عذر بیاورد در گوش دیگرم عذر او را می‌پذیرم برای اینکه امیر المؤمنین علیه السلام حدیث کرد مرا که شنید، جدم پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

لا یَرِدُ الْحَوْضَ مَنْ لَمْ یَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُحِقٍّ اوْمُبْطل

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۱

وارد حوض (کوثر) نمی‌شود کسی که عذر را نپذیرد، خواه عذرآور حق بگوید یا باطل.

حسین علیه السلام با فرزندان و بانوان و با کسان و اهل بیت خود در نهایت ادب، محبت، رحمت، مهربانی و انس و مودت زیست داشت.

راوی گفت: در خدمت حسین علیه السلام بودم کنیزکی دسته گلی برای آن حضرت آورد حسین علیه السلام فرمود:

انْتِ حُرَّةٌ لِوَجْهِ اللهِ تَعالی

تو برای خدا آزادی.

گفتم کنیزکی یک دسته گل برایت آورده او را آزاد می‌کنی؟ فرمود: اینچنین خدا به ما ادب آموخته است که فرمود:

وَ اذا حُیِّیتُمْ بِتَحِیَّه فَحَیُّوا بِاحْسَنَ مِنْها اوْ رُدُّوها

و نیکوتر از این دسته گل آزاد ساختن او بود.

۵. عدالتخواهی حضرت سید الشهداء علیه السلام

خانـدان علی علیه السـلام به عـدالت و حمـایت از مظلوم هماننـدی در عـالم ندارنـد. حکومتشـان حکومت حق و عـدالت و سیره و رفتارشـان دادگری و دادخواهی برای مظلومین بود. اگر می‌شـنیدند به کسـی سـتمی شـده ناراحت می‌شدنـد و تا برای او دادخواهی نمی‌کردند آسوده نمی‌گشتند.

حکایاتی که از عـدل علی در کتاب‌های تاریخ است نشان می‌دهد که او دلباخته حق و فانی در عدالت بود. او به فرزندانش وصیّت کرد:

کُونا لِلظّالِمِ خَصْماً، وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْناً

دشمن ستمگر و یار ستمدیده باشید.

حسین علیه السلام فرزنـد آن پدر و وارث همان صـفات بود. از سـتم‌هائی که بنی امیه و عمّال آنها به مردم می‌نمودند بیش از همه کس رنج می‌کشید، و به شدت ناراحت می‌شد.

قیام او، قیام علیه ظلم و بیداد و ستمگری، و نهضت او نهضت نجات بخش

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۲

ستمدیدگان و مظلومین بود.

۶. زهد حضرت سید الشهداء علیه السلام

بهترین نشانه زهـد کامل و خوار شـمردن دنیا همان فـداکاری و گـذشت آن حضـرت از جان خود و جوانان و برادران و اصـحاب و یاران، و تن دادن به آن‌همه مصیبت و بلا بود.

اگر دنیا و مال و نعمت آن، در نظر کسـی بی‌قـدر و ارزش نباشد نمی‌تواند اینگونه در راه حق و یاری دین خدا و بزرگداشت هدف عالی خود پایـداری و اسـتقامت ورزد تا به حدّی که بدن قطعه قطعه عزیزانش را ببیند و صدای ناله کودکانش را از زحمت تشـنگی بشـنود و گریه زن و بچه، دل پر از مهر و عاطفه او را به درد آورد و برپیکرش آن همه زخم‌های کاری وارد شود ولی در یاری دین خدا ثابت و پا برجا بماند و در مقابل باطل نرمش نشان ندهد و مانند کوه تمام این مصائب او را تکان ندهد.

آری به حسـین علیه السلام پیشنهاد می شد که با یزید از در مسامحه و سازش در آید، و به نحوی که در عرف اهل دنیا خلاف شأن و شـرف او شـمرده نشود با او کنار بیاید، و در عوض خودش و خاندان و فامیل و کسانش از دنیا متمتع و بهره مند شوند؛ اما حسـین کسـی نبود که برای خاطر زندگی دنیا و خوشـگذرانی، مصالح عالیه اسلامی را نادیده بگیرد و با گرفتن حق‌السکوت برقراری چنان دسـتگاه فاسـد و ظلم و کفر را امضـاء نمایـد و در ادای تکلیف و وظیفه مهمی که از طرف خـدا به عهـده دارد مسـامحه و کوتـاهی نماید.

حسـین پسـر آن کسـی است که فرمود: «اگر آفتاب را در دست راست، و ماه را در دست چپم بگذارنـد که دست از دعوت بردارم، برنخواهم داشت».

او پسـر کسـی است که می گفت: «دنیای شـما نزد من از آب بینی یک بز زکامی خوارتر است». پس حسـین ماننـد پـدرش رئیس و سید زهاد بود. پدر می گفت:

مَا أنا إلّا کَقارِب وَرَدَ اوْ کَطالِب وَجَدَ

پسر می‌گفت:

انِّی لا ارَی الْمَوْتَ الّا سَعادَةً، وَلَا الْحَیاةَ مَعَ الظّالِمینَ الّا بَرَماً

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۳

ابن شهر اشوب در جمله ای از زهد آن حضرت گوید که به او گفته شد:

ما اعْظَمَ خَوْفَکَ مِنْ رَبِّکَ

چقدر بزرگ است بیم تو از خدا؟ فرمود:

لا یَأْمَنُ الْقِیامَةَ الّا مَنْ خافَ اللهَ فِی الدُّنْیا

در امان نیست کسی روز قیامت مگر آن کس که در دنیا از خدا بترسد.

۷. تواضع و فروتنی حضرت سید الشهداء علیه السلام

هرچه معرفت و خداشناسی و توحید، و علم و حکمت انسان بیشتر شود، تواضع و فروتنی او زیادتر می شود. تکبر بشر ناشی از جهل و نادانی، و غفلت و خودپسندی است. در آیات کریمه و احادیث از تکبر به شدّت مذّمت و از تواضع مدح و ستایش شده است.

افراد نادان به انـدک چیزی از مال یا مقام باد در بینی می اندازنـد و به دیگران به نظر حقارت نگاه می کنند و مایلند فکر و نظر خود را بر مردم تحمیل کنند.

حسین در نزد مردم بسیار محترم بود وقتی او و برادرش حسن مجتبی علیه السلام پیاده به حج می‌رفتند تمام رجال و شیوخ صحابه که با آنها بودند به احترامشان از مراکب پیاده می‌شدند و پیاده می‌رفتند، این احترام حسین علیه السلام در نفوس نه برای آن بود که حسین کاخ مجلل داشت یا مرکب‌های سواری او گران قیمت بود یا غلامان و سربازان پیشاپیش یا دنبال موکب او می‌رفتند یا آنکه مسجد پیغمبر را برای او خلوت می‌نمودند و راه‌ها را در موقع آمد و شد او بر مردم می‌بستند، نه! برای هیچیک از اینها نبود. حسین با مردم زندگی می کرد و از مردم جدا نبود، در نهایت سادگی و تواضع بود، همه ساله پیاده به حج می‌رفت، با مردم نشست و برخاست، و آمد و شد داشت، با فقراء معاشرت می کرد، در نماز جماعت حاضر می‌شد، به عیادت بیماران می‌رفته، در تشییع جنازه‌ها شرکت می کرد. در مسجد جدش پیغمبر با دوستان و اصحابش می نشست. دعوت فقرا را می‌پذیرفت و آنها را میهمان می‌نمود، خودش برای محتاجان، بینوایان، بیوه زنان و یتیمان، نان و غذا می‌برد.

وقتی سپاهیان ستم پیشه و سنگدل کوفه بدن مطهرش را عریان بر خاک افکندند، بر شانه مبارکش نشانه از برداشتن بار دیدند، از علت آن پرسیدند، حضرت

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۴

سجاد فرمود: اثر آن انبانها است که در مدینه به دوش مبارک بر می گرفت، و به خانه‌های فقراء و ایتام و بیوه زنان می‌برد.

۸. ایمان خالص و استوار حضرت سید الشهداء علیه السلام

ایمان به هدف و مقصد برای ارباب نهضتها و رهبران انقلابها و زعمای اصلاحات دینی و اجتماعی، عامل بزرگ پیشرفت و بازنگشتن به عقب و عدول نکردن از برنامه است.

اگر رهبر یک قیام به هدف آن ایمان داشته باشد یعنی آن را عین واقع و حقیقت بشناسد، با اطمینان خاطر به سوی هدف پیش می رود و سستی و کندی نمی‌کند و در همه حال از ایمانی که دارد نیرو می گیرد و ناملایمات و سختیها و مشکلات، عزم او را ضعیف نمی‌سازد و در اراده او خللی وارد نمی‌کند. حسین نیز در ایمان به هدف و مقصد قیام خود، مانند جدش مرتبه اعلی را دارا بود.

هدف خود را حق، و امویین را باطل می‌دانست، و برنامه‌هائی را که اجرا کرد سبب نجات اسلام و مسلمین تشخیص داد و راه منحصر به فرد مبارزه با نقشه‌های خائنانه بنی‌امیّه را خودداری از بیعت و تسلیم دانست. او یقین داشت این راهی که می‌رود موافق با رضای خدا و پیغمبر و منتهی به شهادت و سعادت است به این جهت، صادقانه و قاطعانه مخالفت خود را با زمامداری یزید اعلام کرد، و هرچند می‌دانست این مخالفت و امتناع از بیعت برایش بی‌نهایت گران تمام می‌شود ولی چون رضای خدا را در آن می‌دید از همه آن مصائب و سختی‌ها استقبال کرد.

امام به شهادت خود ایمان داشت و می‌دانست که شهادت بر او نوشته شده، و این شهادت سبب مزید افتخار خاندان رسالت و ارتفاع درجات خودش خواهد شد.

تاریخ واقعه جانسوز کربلا را از آغاز تا انجام بخوانید، در همه جای آن ایمان استوار حسین و فرزندان و اصحاب و بانوان و خواهران و دخترانش به چشم می‌خورد.

در مدینه وقتی ولید به آن حضرت پیشنهاد کرد با یزید بیعت کند فرمود:

إنّا أهل بَیتِ النّبوَّه وَ مَعدن الرّساله و مُختلف المَلائکه و مَهبِطَ الرَّحمه بنا فَتَحَ الله وَ بِنا خَتَم وَ یزید رَجُل فَاسِق شَارِب خَمر قاتِل نَفس معلن بِالفِسق فَمِثْلی لا یُبایعُ مِثْلَهُ

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۵

ما اهل بیت نبوت و معدن رسالتیم ما محل آمد و شد فرشتگان و محل نزول رحمت می‌باشیم، خداوند به ما شروع کرد و به ما ختم نمود و یزید مردی فاسق و شرابخوار و آدمکش و متجاهر به فسق است، فردی چون من با فردی چون او بیعت نمی‌کند.

و به مروان وقتی عرض کرد صلاح تو در آنست که بیعت کنی فرمود:

انّا للهِ وَ انّا الَیهِ راجِعُونَ، وَ عَلَی الْاسْلامِ السَّلامُ اذْبُلِیَتِ الْاُمَّةُ بِراعٍ مِثْلِ یَزید

انا لله و انا الیه راجعون فاتحه اسلام را باید خواند، اگر امت به رهبری چون یزید مبتلا شود!!.

صریح‌ترین کلامی که از آن حضرت در روز عاشورا روایت شده و نشان می‌دهد چگونه آن حضرت از برنامه‌ای که از آغاز در مجلس ولید، استاندار مدینه، اعلام کرد تا پایان کار، عدول نفرمود، اینست که در ضمن یکی از خطبه های بلیغی که در روز عاشورا خطاب به سپاه عمر سعد خواند فرمود:

ألا و إنَّ الدعی بن الدعی قَدْ رَکَزنی بین اثْنَتَین بَینَ السِّلَّه و الذِّلَّه و هَیهات مِنّا الذّله یأبَی الله تَعالی ذلک لَنا وَ رَسوله و المؤمنون و حجور طابت و طهرت و أنوف حمیه و نفوس أبیه من أن نؤثر طاعَه اللئام عَلَی مَصارِعِ الکِرام

آگاه باشید که زنازاده پسر زنازاده بین دو خصلت ما را قرارداه: بین کشته شدن یا به خواری و ذلت تسلیم شدن، لیکن ذلت از ما دور است. خدا راضی نیست که ما به ذلت تسلیم شویم و پیامبر خدا و مؤمنان و دامن‌های پاک و پاکیزه‌ای که ما در آن پرورش یافته‌ایم و آن مردانی که از تن دادن به زیر بار ستم منزه و برکنارند راضی نیستند که اطاعت مردان پست را بر قتلگاه کریمان و بزرگواران برگزینیم.

۹. شجاعت حضرت سید الشهداء علیه السلام

تمام مظاهر شجاعت در حسین علیه السلام وجود داشت، و روح و جسم او مرکز نمایش عالیترین مرتبه شجاعت بود تا جائی که «شجاعه الحسینیه» ضرب المثل

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۶

گشت.

از یک سو شدت تشنگی و رنج و تعب گرسنگی و بی خوابی، از یکسو خون ریزی از جراحتها، از دیگر سو زحمت جهاد و دفاع از خود و اصحاب و اهل بیت و بانوان و اطفال. از یک طرف خواهش آب و فریاد تشنگی کودکان، از طرف دیگر اسارت قریب الوقوع عزیزترین، و محترم‌ترین بانوان جهان اسلام.

هر زمان باران مصیبت بر او شدیدتر می‌شد، و هر ساعت صدای شهیدی از یاران باوفایش بر دلش داغ تازه می‌گذارد، شخصاً به بالین سرآنها حاضر می شد آن مردان با اخلاص و با وفا و با ایمان را می‌دید که با پیکرهای مجروح و بدنهای پاره پاره جان می‌دهند، و نسبت به او عرض ادب می‌کنند.

ولی حسین شهامت و استقامت و ایمان، این مصائب را تحمّل می‌کرد، و مثل شجاعی که دشمنان را از خود دفع می‌کند با این مصیبات که هر یک برای از پا درآوردن بزرگترین شجاعان کافی بود، مدافعه می‌کرد.

طبری و ابن اثیر از عبدالله بن عمار نقل کرده‌اند که وقتی پیادگان لشکر به آن حضرت از چپ و راست حمله کردند، آن حضرت بر آنها که از جانب راست حمله‌ور شده بودند حمله کرد تا گریختند، و بر آنها که از سمت چپ بودند حمله فرمود تا آنها را نیز به گریز داد، و در این حال عمامه بر سر و پیراهن خزی در برداشت. به خدا سوگند هرگز شکسته‌ای را ندیدم که فرزندان و اهل بیت و اصحاب و یارانش کشته شده باشند و در عین حال دلدارتر و قوی تر و بی‌بیم‌تر از حسین باشد. به خدا سوگند پیش از او و بعد از

او کسی را مثل او ندیدم! به هر سو حمله می کرد آن لشکر از او می گریختند. به خدا سوگند او همچنان جهاد می‌نمود.

۱۰. عظمت‌های حضرت سید الشهداء علیه السلام

عظمت در تصمیم

به معنای عزم راسخ داشتن به انجام کار و پایان آن، به طوری که هیچگاه و به هیچ گونه از عزم خود برنگردد، و هیچ چیز تصمیم او را سست نسازد، و از آغاز کار ملاحظه پایان و عاقبت آن را بنماید و هشیارانه تصمیم بگیرد.

اکنون بشنوید که حسین چگونه با پیش بینی پایان کار، وارد میدان شد، و

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۷

سخنانش چگونه از شعور خطیرش بر می‌خاست. آنگاه که عزیمت خروج از مکه و سفر عراق را داشت این خطبه را خواند:

الْحَمْدُ لِلّهِ وَ مَاشَاءَ الله وَ لاقُوَّةَ الّا بِاللهِ، وَ صَلَّی اللهُ عَلی رَسْولِهِ خُطَّ الْمَوْتُ عَلی وُلْدِ آدَمَ مَخَطَّ الْقَلادَهِ عَلی جِیدِ الْفَتَاهِ، وَ مَا اوْلَهَنِی الی اسْلافی اشْتِیاقَ یعْقُوبَ الی یوسُفَ، وَ خِیرَلِی مَصْرَعٌ انَا لاقِیهِ کَأَنِّی بِاوْصَالِی تَقَطَّعُها عُسْلانُ الْفَلَواتِ بَینَ النَوَاویسِ، وَ کَرْبَلا فِیمْلَأَنَّ مِنِّی اکْراشاً جَوْفاً، وَ اجْرِبَهً سَغْباً لا مَحیصَ عَنْ یوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ رِضَی اللهِ رِضانا اهْلَ الْبیتِ نَصْبِرُ عَلی بَلائِهِ، وَ یوَفِّینا اجُورَ الصَّابِرِینَ لَنْ تَشْذَ عَنْ رَسُولِ اللهِ لُحْمَتُهُ بَلْ هِی مَجْمُوعَهٌ لَهُ فِی حَظِیرَهِ الْقُدسِ تَقِرُّ بِهِمْ عَینُهُ وَ ینَجِّزُ بِهِمْ وَعْدَهُ الا فَمَنْ کانَ باذِلًا فِینا مُهْجَتَهُ، وَ مُوَطِّناً عَلی لِقاءِ اللهِ نَفْسَهُ فَلْیَرْحَلْ مَعَنا فَانّی راحِلٌ مُصْبِحاً انْ شاءَ اللهُ تَعالی

سپاس برای خدا است، و آنچه خواست خداست می‌شود و نیروئی جز به خدا نیست و درود خدا بر پیامبرش. مرگ بر فرزندان آدم نوشته شده و آنها را احاطه کرده مانند گردنبند بر گردن دختر جوان، و من بسیار مشتاقم به دیدار گذشتگان خودم همانگونه که یعقوب مشتاق دیدار یوسف است و برای من قتلگاهی است که من آن را خواهم دید.

گویا می‌بینم که در میان نواویس و کربلا- گرگان بیابان رگ‌های مرا پاره می کنند تا شکم‌های گرسنه خود را پر کنند از چنان روزی که با قلم قضا نوشته شده گریزی نیست، رضای خدا رضای ما خاندان است. صبر می کنیم بر بلای او تا به ما مزد صابران را دهد. هرگز پاره تن پیامبر از او جدا نشود، بلکه با او در حظیره قدس در یک جا باشد، چشمش به پاره‌های تنش روشن شود و به واسطه ایشان به وعده خود وفا کند.

آگاه باشید! هر کس از ریختن خون دلش در راه ما دریغ ندارد و دل به شهادت و

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۸

لقای خدا می‌نهد با ما کوچ کند که من بامداد کوچ خواهم کرد. انشاءالله تعالی».

این بود منطق حسین، و سخنان شور انگیز و قاطع او در برابر کسانی که او را از تصمیمی که داشت باز می داشت.

عظمت در مردانگی

در این عظمت نیز حسین علیه السلام مقامی عجیب و سخت شگفت‌انگیز داشت و مردانگی در وجود او به حد اکمل نمایش یافت، و شاید برجسته‌ترین موارد ظهور مردانگی آن حضرت آن وقتی بود که سپاه کفر پیشه، آن حضرت و اصحابش را تیر باران نمودند، حسین برخاست یک نگاه به آن تیرها کرد، و یک نگاه به اصحابش سپس فرمود:

قُومُوا رَحِمَکُمُ اللهُ الَی الْمَوْتِ الَّذی لابُدَّ مِنْهُ فَانَّ هذِهِ السِّهامَ رُسُلُ الْقَوْمِ الَیکُمْ

بر خیزید! خدا شما را رحمت کند، و از مرگی که چاره ای از آن نیست پیشواز نمائید اینک این تیرها فرستاده های این مردم به

سوی شمایند.

اصحاب برخاستند و ساعتی را با آنها نبرد کردند تا جمعی از اصحاب شهید شدند

۱۱. صبر و شکیبائی حضرت سید الشهداء علیه السلام

اشاره

این صفت از اصول اخلاق حمیده و ملکات پسندیده است و آیات شریفه و احادیث در فضیلت آن بسیار است، و در بیش از هفتاد موضع در قرآن مذکور است.

از آیات و روایات، علاوه بر آنکه بلندی مقام و رتبه صابران معلوم می گردد، دانسته می شود که صبر، کلید برکات و مقدمه نیل به تمام مقامات معنوی و شرط توفیق در هر کار و کسب هر فضیلت است.

حسین علیه السلام در مقام صبر امتحانی داد که دوست و دشمن از آن در شگفتی شدند، بلکه فرشتگان آسمان (برحسب فقره زیارت ناحیه مقدسه: «وَلَقَدْ عَجَبَتْ مِنْ صَبْرِکَ مَلائِکَةُ السَّماءِ») نیز از آن صبر و شکیبایی در تعجب ماندند.

صبر در جهاد

صبر در جهاد اینست که مجاهد فی سبیل الله به واسطه ورود جراحات و زخم

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۹

اسلحه پشت به میدان نکند و از زخمهای کاری، پریشان خاطر نشود و روحیه اش از یورش و حمله دسته جمعی قوای مسلّح دشمن ضعیف نگردد.

مجموع جراحاتی که اثرش در لباس آن حضرت بود صدو بیست جراحت بوده بلکه از بعضی روایات استفاده می‌شود که مجموع جراحات وارده بر آن بدن عزیز خدا از شمشیر و تیر و نیزه و سنگ، بیش از سیصد و ده جراحت بوده است و به اتفاق تمام این زخمها از پیش رو و سینه مطهر بر آن حضرت رسید.

با این کثرت جراحات جنگ می کرد و رجز می‌خواند و حمله‌های مردانه می کرد و تا ممکن بود سواره و سپس پیاده، و حتی آن وقتی که بر زمین افتاده بود با کمک شمشیر برمی‌خاست و آن مردمی را که ننگ عالم انسانیت شدند از خود دور می کرد، و دفاع می‌نمود و صبر داشت.

صبر در مصیبت جوانان و برادران و اصحاب

این نوع صبر از صبر بر جراحات، و آلام بدنی به مراتب دشوارتر، و از پا درآورنده‌تر است. اما حسین که صبر و شکیبائی‌اش از کوه‌های عالم بیشتر بود در داغ مرگ جوانان و برادران، و مصیبت بهترین اصحاب و یاران که همه را با لب تشنه در پیش رویش به فجیع‌ترین وضعی شهید می‌ساختند و بدنشان را پاره پاره می کردند، صبری کرد که از آغاز عالم تا به حال چنان صبری از کسی آشکار نشده است. طفل شیرخوارش را در بغلش تیر می‌زدند و هلاک می کردند. فرزند کوچک برادرش را در آغوشش بعد از آنکه دستش را با شمشیر قطع کردند به طوری که با پوست آویخته شد، شهید کردند.

کودکی را که شمشیر دشمن دستش را قطع کرده بود مانند مردان دنیا دیده؛ امر به صبر می کرد و می‌فرمود:

یَا ابْنَ اخی اصْبِرْ عَلی ما نَزَلَ بِکَ، وَ احْتَسِبْ فی ذلِکَ الخَیْرَ

برادر زاده‌ام! صبر کن بر آنچه که بر تو وارد شده (از بلاها و مصیبت‌ها) و اینها را خیر حساب کن!.
اهل بیتش را در معرض اسیری می‌دید با اینکه این مصیبت برای او که مجسمه
حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۰
غیرت و مردانگی بود بسیار سخت و جانگداز بود صبر فرمود، و آنها را به صبر و وقار و خاموشی و خویشتن‌داری سفارش می کرد و برحمت خدا مژده می‌داد و می‌فرمود:
وَ رَحْمَهُ اللهِ لاتُفارِقُکُمْ فِی الدُّنْیا وَ الْاخِرَهِ

صبر در غضب و خشم

از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت است که نیرومند کسی است که به هنگام خشم، مالك خویش گردد. حسین علیه السلام هرگز تحت تأثیر خشم و غضب کاری را انجام نداد، در هنگام غضب برخود مسلط بود؛ و اگر تمام عوامل خشم فراهم می‌شد آن حضرت از طریق اعتدال و میانه روی و راه صواب به قدر چشم برهم زدن بیرون نمی‌شد.
غلامی از غلامانش آب بر دست مبارکش می ریخت ابریق از دستش در طشت افتاد، آب طشت بر روی مقدسش پاشید. غلام عرض کرد: ای آقای من!
«وَالْکاظِمینَ الْغَیْظَ».
فرمود: خشمم را فرو خوردم. غلام گفت:
«وَالْعافینَ عَنِ النّاسِ».
فرمود: عفو کردم از تو. عرض کرد:
«وَ اللهُ یُحِبِّ الْمُحْسِنینَ».
فرمود:
اذْهَبْ فَانْتَ حُرٌّ لِوَجْهِ اللهِ الْکَریم
برو که تو در راه خدا آزادی!.

صبر در تشنگی

این شکیبائی سخت دشوار است، خصوص اگر تشنگی در نهایت شدت باشد. تسلیم نشدن به دشمن با زحمت تشنگی، علامت تصمیم و عزم راسخ فوق العاده است. شاید در تاریخ موردی را پیدا نکنیم که آب را بر روی طرف بسته باشند و او از تسلیم خودداری کرده باشد.
کسانی که گرمای عراق را دیده‌اند می دانند که تحمل تشنگی چند ساعت در آنجا طاقت‌فرسا است. زحمت جهاد در آفتاب سوزان و کثرت جراحات و ریزش خون، همه باعث شدت تشنگی است ولی آن امام تشنه کام بر این رنج عظیم صبر
حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۱
فرمود، و تسلیم آن ناکسان نگردید. صَلَّی اللهُ عَلَیْكَ یا ابا عَبْدِالله

صبر در اطاعت فرمان خدا

معلوم است که ظهور تمام اقسام صبر از آن حضرت برای اطاعت فرمان خدا بود، و برای امتثال امر خدا از آن همه بلاها و مصیبت‌ها

استقبال کرد و پیشنهادهائی را که دوستان یا دشمنان دادند که با یزید بیعت کند یا بنحوی با او به سازش و سکوت رفتار نماید نپذیرفت و ردّ کرد.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۳

فصل چهارم: پیشگویی از شهادت حضرت سید الشهداء علیه السلام

اشاره

یکی از معجزات بزرگ، و روشن و غیر قابل انکار پیامبر صلی الله علیه و آله پیشگویی‌ها و خبرهائی است که آن حضرت از حوادث آینده داده است که معتبرترین اسناد و مدارک تاریخی، آن را حفظ کرده و هرکس با تاریخ اسلام آشنا شود در آن شبهه و تردید نمی‌نماید که از آن جمله است پیشگویی حضرت از شهادت حضرت سید الشهداء علیه السلام.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

أخبرنی جبرئیل أن ابنی الحسین یقتل بعدی بارض الطف وجاءنی بهذه التُّرْبَةِ فَاخْبَرَنی انَّ فیها مَضْجَعَهُ

جبرئیل به من خبر داد که پسرم حسین کشته می‌شود بعد از من در زمین طف و این خاک را برایم آورد و خبر داد که در آن مضجع او است.

و آنگاه که علی علیه السلام به صفین می رفت گذرشان به کربلا افتاد، و به محاذی نینوا (که دهی در کنار فرات است) رسید، ایستاد و از نام آن زمین پرسید گفته شد: کربلا است. پس گریست آن قدر که زمین از اشک چشمش تر شد (و به روایت عبداللّه بن یحیی از پدرش که در التزام رکاب علی علیه السلام بود، فرمود:

صَبْراً یا ابا عَبْدِاللهِ صَبْراً یا ابا عبْدِاللّه صَبْراً یا ابا عَبْدِالله بِشاطِیء الْفُراتِ

پس فرمود وارد شدم بر پیغمبر صلی الله علیه و آله در حالی که آن حضرت گریه می کرد، از سبب گریه پرسیدم فرمود:

کانَ عِندی جبرئیلُ آنفاً و أَخبَرَنی أنَّ وَلَدی الحُسَین یقتَلُ بِشاطئ الفُرات بِموضِعٍ یقالُ لَه کَربلا ثُمَّ قبض جبرئیل قبضه

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۴

من تراب شمّنی ایاه فلم املک عَیْنَی انْ فاضَتا

جبرئیل زمانی پیش نزد من بود و به من خبر داد که فرزندم حسین کشته می‌شود به شاطی الفرات در موضعی که به آن کربلا گفته می‌شود. پس جبرئیل یک مشت از خاکی قبض کرد و به مشام من رسانید پس نتوانستم دیدگانم را از ریختن اشک نگاه دارم.

وقتی حضرت سید الشهداء علیه السلام به زمین کربلا رسید و به او گفته شد اینجا زمین کربلا است آن را بوئید، و فرمود: این است زمینی که جبرئیل به پیامبر خبر داد که من در آن کشته می‌شوم.

بنی امیّه

بنی امیّه از نظر اخلاق بی‌مایه و فاقد ارزش بودند، در جاهلیّت و اسلام به حبّ دنیا و شهوات و التذاذ جنسی، افراط در خوشگذرانی و تجمل و پرخوری و ناز پروری، سور پرستی، کاخ‌نشینی و عصبیت فامیلی موصوف و معروف بودند.

ابوسفیان

در میان تمام کسانی که در مقابل دعوت اسلام به توحید و خداپرستی عناد ورزیده و لجوجانه مخالفت کرده، و مقاومت نشان دادند ابو سفیان فساد و عناد و اصرارش از دیگران بیشتر بود. او تا وقتی که مظفریت قطعی نصیب مسلمان‌ها نشده بود برای خاموش کردن انوار آفتاب اسلام تلاش کرد، و در بدر، احد و خندق از سران مشرکین، و در احد و خندق سردار لشکر و زعیم سپاه کفر بود.

در سال فتح مکه ابوسفیان و زن و فرزندانش از روی اکراه و بیم قتل به ناچار اسلام آوردند. راجع به نفاق او و اینکه اسلامش از روی اکراه بود و تا زنده بود دست از دشمنی با اسلام و مسلمان‌ها بر نداشت حکایات بسیار در تواریخ است.

وقتی پیامبر اعظم از دنیا رحلت فرمود ابوسفیان در مکه مشغول تحریك و تهییج فتنه بر علیه اسلام شد و خواست مردم را به ارتجاع وادارد. سهیل بن عمرو در آن هنگام که افکار، سخت متشنج و مضطرب بودند، نقشه های ابوسفیان را که مردم را به ترك اسلام و بازگشت به جاهلیت تحریص می‌کرد، نقش بر آب ساخت، او خطبه ای خواند و گفت:

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۵

«به خدا سوگند، من می دانم که این دین مانند آفتاب که به مشرق و مغرب عالم می‌تابد جهانگیر خواهد شد. ابوسفیان شما را فریب ندهد او خودش نیز آنچه را من می‌دانم می‌داند لکن سینه‌اش از حسد با بنی هاشم ناراحت و سنگین است».

ابوسفیان از مکه به مدینه آمد، داستان سقیفه بنی ساعده و بیعت ابوبکر و غصب خلافت را، برای روشن‌کردن آتش یك جنگ داخلی در اسلام، وسیله خوبی شناخت، لذا نزد علی علیه السلام آمد و گفت: «دست بده تا با تو بیعت کنم به خدا سوگند اگر بخواهی مدینه را از سوار و پیاده پر می‌کنم».

علی علیه السلام چون از اندیشه اش با خبر بود او را از پیش خود براند، و فرمود: به خدا سوگند، تو از این کار غیر از فتنه قصدی نداری و به خدا قسم از دیر باز تا حال بدخواه اسلام بوده ای و ما را حاجت به تو نیست.

معاویه بن ابی سفیان (پدر یزید)

تا کسی یك دوره تاریخ زندگی او را نخواند به ماهیّت این عنصر ناپاك و خطرناك و قیافه زشتی که از او در صفحات تاریخ باقی مانده پی‌نخواهد برد، و هر کس بخواهد او را معرفی کند از عهده بر نخواهد آمد.

به گفته آن مرد دانشمند آلمانی به شیخ محمد عبده، کسی که راه را بر توسعه فتوحات اسلام بست، معاویه بود.

برای نیل به ریاست و حکومت به نام خونخواهی عثمان جنگی بر پا کرد، و صد و ده هزار نفر را به کشتن داد و سیصد و شصت نفر را از اصحاب پیغمبر

از کسانی که در بیعت رضوان شرکت داشتند شهید ساخت؛ در جنگ جمل دست داشت و جنگ نهروان در نتیجه خروج او بر امام حادث شد.

آثار بی دینی و بی‌ایمانی به دین و قرآن و بی اعتنائی او به شرف، و وجدان در تمام دوران زندگی‌اش هویدا است.

به طور یقین معاویه تلاش می‌کرد که اسلام را از بین بردارد، و دین را دین ابی سفیان و شریعت جاهلیت و روش آل حرب و طریقه بنی امیّه قرار دهد و آن همه دشمنی و جنگ‌های او با خاندان هاشم، مخصوصاً علی علیه السلام دشمنی با پیغمبر صلی الله علیه و آله و تعقیب جنگ‌های پدر، و جد مادری، و فامیلش به اسلام بود.

اگر کسی را در نفاق، طغیان، انکار حق، حیله، مکر و غدر، خیانت و پیمان شکنی،

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۶

بی‌مانند بدانیم، بطور مسلم چنین کسی همان معاویه است.

میگساری معاویه

شاید بعضـی گمان کنند، یزید نخستین کسـی بوده از بنی امیه که شرب خمر و میگساری می کرد و علناً مرتکب این گناه بزرگ که شرع و عقل و علم، بر نکوهش و منع آن اتفاق دارنـد می‌شـد، و ندانند که این کار زشت در خانـدان یزیـد سابقه داشـته و از پدر و جدش به او ارث رسیده بود.

داستان میگساری ابی سفیان معروف و مشـهور است و تواریـخ معتبر، میگسـاری معـاویه و اینکه علناً برایش شـراب به دمشق حمل می کردنـد را شـرح داده‌انـد. او بجـای اینکه در اجرای احکـام خـدا نظارت کنـد خودش با این روش مردم را به هتک احترام احکام تشویق و گستاخ می‌نمود، و وقتی او را نهی از منکر می کردند خشمناک می‌شد.

او با پیامبر و علی و قرآن و اسـلام دشـمن بود و وقتی از دشمنی با شخص پیامبر صلی الله علیه و آله مأیوس شد با خاندانش در مقام کینه توزی و دشـمنی برآمد و در خاندان آن حضـرت کسـی از علی سـزاوارتر به اینکه هدف تیر دشـمنی کفار و منافقین و دشمنان اسلام و پیغمبر شود نبود تا آنکه در ایام بنی امیه بیش از هفتاد هزار منبر بود که بر آنها به علی علیه السلام لعن می کردند.

معاویه متجاهر به محرّمات و خلاف سنّت پیغمبر بود، از ربا و شـراب پرهیز نـداشت در ظرف‌های طلا و نقره غـذا می‌خورد، انگشتر طلا در انگشت می کرد. زینت‌های قیمتی به خود می‌بست و در دین بدعت‌هائی گذارد. به شنیدن آوازهای غنا و لهو و طرب مأنوس بود، سـفره‌های رنگین می‌انـداخت و به غـذاهای لذیـذ و خوش طعم بسـیار راغب بود، لباس‌های فاخر و گرانبها می پوشـید، و بطور کلی روش او در خوراک، و پوشاک دنیائی و بنای کاخ‌های رفیع، و نگاهداری غلامان و کنیزان و حرکت با اسـکورت و تشریفات سلطنتی برخلاف روش پیغمبر صـلی الله علیه و آله و صـحابه و برنامه های اسلام بود. او بیت‌المال مسلمین را در تشکیلات پادشاهی و وظـایف درباری‌هـا و اطرافیـان و سـربازان گـارد مخصوص خود صـرف می کرد و سوء سـیاست مالی او موجب شـد که بیت‌المال خالی شود بناچار مالیات‌های سنگین به مردم بست و با اهل جزیه برخلاف پیمان رفتار می کرد، و ترتیبات مالی اسلام را به

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۷

هم زد. او علاوه برآنکه سبّ امیر المؤمنین علیه السـلام را معمول ساخت و علاوه بر اسـتلحاق زیاد و استخلاف یزید، به مقام مقدس پیغمبر اسـتخفاف می کرد و در حضور او به آن حضرت جسارت می‌شد و او منعی نمی کرد حتی به رسالت برخودش سلام کردند و از آن منع نکرد.

او از فضایل اخلاقی مانند شـجاعت، عدالت، انصاف، غیرت، تقوی، امانت و مردانگی بی‌بهره بود، حتّی از حلم و سیاست نیز سهمی نداشت.

یزید کیست؟

سیاه‌ترین صـفحات تاریـخ بشـر صـفحاتی است که در آن، شـرح زنـدگی یزید ثبت شده است. اگرچه رسوائیها و جنایتهای بنی امیه آنها را در میان بزه کاران تاریـخ و زمامداران پست و جبار، مشـهورتر از همه ساخت؛ ولی یزید برای این دودمان ننگ و عاری شـد که نزدیـک بود مردم آن همه ننـگ ورسوائی سـایر افراد این فامیـل را فراموش کننـد و فقـط یزیـد را یگـانه قهرمان کفر و شـرارت، طغیان و سبک مغزی، دنائت و عداوت با خاندان پیغمبر بشناسند.

بنی امیّه ماننـد یک صـفحه سـیاه در تاریـخ ظاهر شدنـد، و یزیـد در آن صـفحه سـیاه نقطه‌ای شد که سـیاهی‌اش تاریکتر، و مصداق «ظلمات بعضها فوق بعض» گشت.

یزیـد جوان بـدخوئی بود که شب و روزش را در میگساری و اشـتغال به تار می گذرانـد و از مجلس زن‌ها و ندمایش بر نمی‌خاست

مگر برای شکار، و هفته ها را در شکار بی اطلاع از جریان امور کشور سر می کرد.
علاقهٔ شدید یزید به شعر او را به میگساری و معاشرت با شعراء و ندماء راغب کرده بود و میل مفرط او به شکار او را از رسیدگی به امور ملک و سیاست باز می‌داشت. توجه او به تربیت یوزها و بوزینگان او را در عداد و همردیف صاحبان یوز و بوزینه قرار داد. یزید بوزینه‌ای داشت که آن را ابوقبیس می‌خواند، و لباس حریر به او می‌پوشاند و آن را به طلا و نقره زینت می‌نمود و در مجالس شراب حاضر می‌ساخت و در مسابقات اسب‌دوانی بر الاغی سوارش می‌کرد و تحریض می‌نمود تا مسابقه را از اسب‌ها ببرد. یزید حتی در مدینه‌ی پیغمبر نیز از میگساری، و گناه خودداری نمی‌کرد.
حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۹

فصل‌پنجم: علل قیام حضرت سیدالشهداء علیه السلام

اشاره

در چنین وضعیتی که اسلام به زمامدار فاسدی مانند یزید مبتلاء شده بود حضرت سیدالشهداء علیه السلام به مقابله با بنی امیه برخواستند به جهت:

۱. اطاعت فرمان خدا و ادای تکلیف

۲. امر به معروف و نهی از منکر

در کتب معتبر تاریخ روایت شده که حسین علیه السلام برای برادرش محمد بن علی معروف به محمد حنفیه این وصیت را نگاشت:
«بسم الله الرحمن الرحیم. اینست آنچه که وصیت کرد حسین بن علی بن ابیطالب به برادرش محمد بن علی معروف به ابن الحنفیه»
«همانا حسین گواهی می دهد به یگانگی خدا و اینکه شریکی برای او نیست و اینکه محمّد، بنده و فرستاده او است، شریعت و دینی را که آورد به حق از جانب حق آورد، و اینکه بهشت و آتش، حق است، و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست، و اینکه خدا تمام مردگان را برخواهد انگیخت» وبعد این جمله را مرقوم فرمود:
انِّی لَمْ اخْرُجْ اشَراً وَلا بَطَراً، وَلا مُفْسِداً؛ وَلا ظالِماً؛ انّما خَرَجْتُ لِطلَبِ الاصلاح فی أمّه جَدّی مُحَمَّد صلی الله علیه و آله أُریدُ أنْ آمر بِالمَعروف وَأَنْهی عَنِ الْمُنْکَر وأسیرُ بسیرَه جَدّی وأبی عَلی ابْن أبی طالب ...
همانا من از برای تجاوز و طغیان و خودداری از قبول حق و برای فساد و ستم بیرون نشدم، بلکه برای اصلاح امور امت جدّم محمّد صلی الله علیه و آله می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و بر سیره و
حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۰
روش جدم پیغمبر و پدرم علی بن ابیطالب علیه السلام بروم.
در این جمله حسین علیه السلام علت قیام و برنامه کار خود را در چهار ماده اعلام کرد:

۱. اصلاح امور امت.

۲. امر به معروف.

۳. نهی از منکر.

۴. پیروی از روش جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله و پدرش علی علیه السلام.

۳. فساد زمامدار و دستگاه خلافت

یکی از صفاتی که باید در خلیفه باشد اینست که خلیفه باید در روش، و رفتار، مظهر عدالت و تعالیم اسلام و نمونه تربیت مکتب قرآن باشد، و مانند آینه که از شخصی که در برابر آن بایستد حکایت می کند، از اسلام حکایت کند.
غرض از تعیین خلیفه و زمامدار، اجرای حدود و امر به معروف و نهی از منکر و عمل به شریعت و احکام است، پس خلیفه و زمامدار باید خودش بیش از همه به قانون و احکام عمل نماید و حقوق اسلامی را برای همه افراد محترم شمارد.
کسی که می‌خواهد به حکم شریعت و قانون، زمامدار باشد، باید رعایت و احترامش از قانون شرع از دیگران بیشتر باشد و اگر خلیفه متجاهر به فسق و نابکاری و خیانت گردید، ضررهائی که از ناحیه او به ملت می‌رسد پایه بقای ملت را متزلزل و مشرف به انهدام خواهد ساخت.
یک غرض عمده از خلافت راست کردن کژی‌ها و اقامه عدالت اجتماعی و اجرای نظام اسلامی است. اگر حکومت به این هدف‌ها اهمیت ندهد به قدر پشیزی ارزش ندارد و تمرّد از اوامرش در صورت امکان لازم و یاری و اعانت آن گناه است.
اسلام با تحمیل شخصیت حکّام بر رعایا مبارزه کرد، و حکومت های استبدادی حکام آفریقا و امراء و رؤسای قبائل نجد و حجاز و ترکستان و کشورهای دیگر را ساقط کرد و تذلیل بشر را به هر عنوان و اسمی محکوم ساخت؛ و سطح افکار جامعه را بالا برد و شوکت استثمارگران را درهم شکست، نه برای اینکه صاحبان مناصب را عوض کند و در ایران یا سوریه یا الجزایر و مراکش به جای حاکم ایرانی یا آفریقائی، حاکم عربی بنشاند.
حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۱
کاخ کسری، و آن همه تجملات و تشریفات را که از دسترنج کارگران، و کشاورزان محروم تهیه شده بود از میان برداشت نه برای اینکه دیگران و خلفای بنی‌امیّه و بنی‌عباس همان رسم را دنبال کنند و کاخ‌های رفیع‌تر با تجمّلاتی خیره‌کننده‌تر و تشریفات بیشتر ترتیب دهند و بندگان خدا را استعباد کنند، بلکه هدف اسلام پایان دادن به استعباد بود تا ملت‌ها شخصیت و شرف خود را بجویند و کورکورانه از زمامداران اطاعت نکنند.

۴. خطر ارتجاع و بازگشت به عصر شرک و بت پرستی و جاهلیت

۵. نداشتن تأمین جانی

شرعاً و عقلًا هرکس در برابر صدمات و خطراتی که متوجه جانش می‌شود، حق دفاع دارد، و فطرت او در هنگام توجه خطر او را به مدافعه و حفظ جان وادار می سازد، و اگر انسان در مقابل دشمن مهاجم، دفاع نکند و تسلیم شود مسئول، و سزاوار توبیخ است.
حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۳

فصل ششم: نتایج قیام حضرت سید الشهداء علیه السلام

۱. تقرب و ارتقاء درجه

یکی از بزرگترین نتایج قیام سید الشهداء علیه السلام، ثمرات قرب و ارتقاء درجه آن حضرت در نزد خداوند متعال است.
خدا وحی کرد که برای او درجه‌ای است که به آن درجه احدی از مخلوق نمی‌رسد، و همانا که برای او شیعه‌ای است که شفاعت می کنند، و شفاعتشان پذیرفته می‌شود، و همانا مهدی علیه السلام از فرزندان اوست، پس خوشا به حال کسی که از دوستان حسین

علیه السلام باشد، و شیعیان او به خدا سوگند روز قیامت رستگارند.

و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله به حسین علیه السلام فرمود:

انَّ لَکَ فی الْجَنَهِ دَرَجهً لا تَنالُها الا بِالشَّهادَهِ

به درستی که برای تو در بهشت درجه‌ای است که به آن نمی‌رسی مگر به شهادت.

۲. نجات اسلام

مهمترین نتیجه قیام حسین علیه السلام نجات اسلام از چنگال نقشه‌های بنی‌امیه است.

هرکس تاریخ اسلام، و حرکات بنی امیه را در جاهلیت و اسلام مطالعه کند به وضع خطرناکی که از جانب آنها اسلام را تهدید به زوال، و انقراض می‌نمود آگاه می‌شود.

۳. بیداری شعور دینی

در اثر تبلیغات معاویه و روش او و همدستانش و دوری مردم از عهد رسالت و

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۴

تعطیل اجرای برنامه‌های اسلام و توسعه ممالک اسلامی و ممنوع شدن تبلیغات صحیح دینی و خانه‌نشین‌شدن شایستگان و دانشوران، شعور دینی مردم ضعیف گشت و افکار آنها انحطاط یافت، اکثریت مردم در برابر وضع موجود، خودباخته و شکسته خاطر و سرد شده بودند و قیام امام علیه السلام مردم را بیدار و هشیار نمود.

۴. محبوبیّت اهل بیت و عزّت بازماندگان

انَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدّا (مریم/ ۹۶)

محبت و دوستی اهل بیت جزء مزاج ایمانی و اسلامی هر مسلمان است و احدی نیست که مسلمان باشد و پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست بدارد و با این حال حبیبه عزیزه‌اش سیده نساءالعالمین، و دو ریحانه‌اش حسن و حسین، و برادر و پسر عمّش علی علیهم السلام را دوست نداشته باشد. یکی از آثار شهادت حسین علیه السلام این بود که این محبت در دلها زیاد شد و موجب جلب عواطف و جذب احساسات عموم به خاندان نبوّت گشت.

۵. محکومیت بنی امیه در افکار مسلمین و سایر ملل

بنی امیه با کشتن حسین علیه السلام گور خود را کندند، و پرده ای از روی شنایع اعمال و مقاصد شوم خود برداشته و خشم و غضب ملل اسلام را خریداری کردند.

۶. گرفتاری بنی امیّه به شورش و انقلاب

یکی از عکس العمل‌ها و نتایج شهادت و مظلومیت حسین علیه السلام شورش‌ها و انقلاباتی بود که برای برانداختن حکومت امویین در جهان اسلام برپاشد.

در این شورش‌ها عاملی که بیش از هر چیز مردم را تهییج و تحریک می‌کرد، شهادت حسین علیه السلام، و دعوت به قیام برای خونخواهی آن حضرت و گرفتن انتقام از بنی امیه بود.

خونخواهی حسین علیه السلام شعاری بود که همه جا از آن طرفداری می‌شد و مردم به دور پرچمی که با این شعار افراشته می‌شد جمع می‌شدند.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۵

۷. تحوّل فکری

یکی از بیماری‌های خطرناک فکری که پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجتماع مسلمانان به آن گرفتار شد این بود که بسیاری از مردم در برابر عمل انجام شده، هرچند موافق با خیر و مصلحت و نظامات و تعالیم شرعیه نبود تسلیم می‌شدند و هر حکومتی را که روی کار می‌آمد واجب الاطاعه، و بیعت با آن را لازم الوفا می‌دانستند.[۱]

این روش باعث می‌شد که هر کس می‌توانست با یک جهش ناگهانی یا اغفال مردم وضعی را ایجاد و سیاستی را اجرا کند و بر مرکب مراد سوار شده، و بی معارض و مزاحمی، مستبدانه بر جامعه حکومت کند.

حسین علیه السلام با این فکر غلط و خطرناک نیز مبارزه کرد و مردم را از این اشتباه که حکومت‌هایی مانند حکومت بنی‌امیه و یزید، واجب الاطاعه‌اند، بیرون آورد، و فهماند که نه فقط اطاعت از آنها واجب نیست، بلکه کوشش برای برانداختن آنها و تأسیس حکومت تمام اسلامی، لازم و واجب است.

پس از قیام سید الشهداء علیه السلام معلوم شد: آن حکومتی که واجب الاطاعه است و باید مسلمانان آن را تقویت و پشتیبانی نمایند، حکومتی است که در تمام نواحی، نمایشگر عدالت اسلامی و مجری تعالیم و احکام قرآن باشد.

۸. عکس العمل جاودان و پایدار

اثر جهاد حسین علیه السلام در صفحه تاریخ جاویدان ماند، و همواره نیرو بخش اصلاح طلبان، و مجاهدان راه حق و حامیان خیر و عدالت است.

قیام آن حضرت، مبارزه با ظلم و ستم و کفر و باطل بود که در آن زمان از گریبان یزید سربرون کرده بود. مبارزه با افکار و نقشه ها و آراء، و مفاسدی بود که از جانب او حیات ملت اسلام را تهدید می‌کرد.

در این مبارزه، شخص یزید و هیکل نازیبا و آبله رو، و چهره سیاه و بینی قرحه‌دار او طرف نبود بلکه کردار و رفتارش طرف مبارزه بود.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۶

۹. تأسیس مکتب عالی و همگانی تعلیم و تربیت

یکی از نتایج شهادت سید الشهداء علیه السلام که همواره مورد استفاده عموم و وسایل تعلیم و تربیت و هدایت جامعه به اخلاق فاضله است برنامه‌هائی است که به عنوان عزاداری و سوگواری و ذکر مصائب آن حضرت در عرض سال اجرا می‌شود. مجالس ذکر مصیبت آن حضرت بهترین مجالس تبلیغی و دعوت به اسلام است.

در این مجالس، معارف قرآن، اصول و فروع دین، تفسیر و حدیث، تاریخ و سیره پیامبر و ائمه علیهم السلام و صحابه، مواعظ، نصایح و راهنمائی‌های اخلاقی و اجتماعی و آئین زندگی از خانه‌داری تا کشورداری، به مردم آموخته می‌شود و جاذبه نام حسین علیه السلام مردم را ساده و بی‌ریا در این مجالس تعلیم و هدایت و تربیت حاضر می‌سازد.

بطور یقین هیچ وسیله دیگر نمیتواند این منظور را تأمین کند، نام حسین مانند مغناطیس همه را جذب می کند و محبوبیت فوق‌العاده او طوری است که همه می‌خواهند با او ارتباط داشته و در شمار دوستانش محسوب و در مصیبتش قطره اشکی بریزند.

متذکر می‌شود در صورت تمایل برای اطلاع بیشتر از مطالب مذکوره به کتاب پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام که از تألیفات اینجانب است مراجعه نمایید.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۷

فصل هفتم: قسمتی از پیام حضرت آیت الله العظمی صافی‌به همایش سراسری مداحان

در ادامه این نوشتار برای بهتر برگزار شدن این مراسم الهی که بالاترین جلوه‌ی تعظیم شعائر اسلام است بیان بعض نکات ضروری بنظر می‌رسد.

اینجانب با کسب اجازه از عزیزان خودم، مدّاحان اهل بیت علیهم السلام در این مجال اندك به مواردی که باید به آن توجّه شود اشاره می‌نمایم:

۱. هدف مدّاحان باید ترویج دین و نشر معارف و ذکر مصایب اهل بیت علیهم‌السلام و کسب درجات معنوی و اجر و ثواب الهی باشد و در مقام معامله این کار عظیم و ثواب های بزرگ آن با امور مادّی نباشند و بدانند که خدمات مخلصانه‌ای را که انجام می‌دهند اگر با تمام دنیا معامله نمایند مغبون می‌شوند.

۲. مطالبی را که می گویید و هر سخنی را که در هر رابطه حتی تعریف از اشخاص بر زبان می‌آورید حق باشد و سعی کنید زبانتان به باطل نرود و آیه‌ی کریمه «ما یلفظ من قولٍ الّا لَدَیْه رَقیب عَتید» را مدّ نظر قرار دهید.

۳. سعی شود که اشعار مدایح و مراثی که خوانده می‌شود از جهت مضمون و معنویت و پیام، بلند و عالی برگرفته از هدایت‌های قرآنی و روایی باشد و اشعار ضعیف و متضمّن مضامین سست و خرافی و بی‌مصدر نباشد.

۴. از اشعار اغراق آمیز و غلوّ گونه و شعارهای غالیانه و اشعار به اصطلاح عرفانی و صوفیانه که بعض عقاید باطله را القا می‌نمایند باید جداً پرهیز نمود.

۵. باید مدّاحی شعبه‌ای از تبلیغات دینی و مدّاحان محترم واسطه رساندن معارف دین و پیام‌های ائمه معصومین علیهم السلام باشند. لذا چاکران با اخلاص آستان مقدّس حسینی اولًا در تصحیح ع- قائد و ثانیاً تهذیب اخلاق خود کوشش فراوان نمایند که با سیما و سیره و عمل هم بر تأثیر مضامینی که به شع- ر یا به ن- ثر القا می کنند بی- ف- زاید و مصداق «المَوعِظَه إذا خَرَجَت مِن قَلبٍ وَقَعَت فِی قَلبٍ» گردد.

۶. بدیهی است آنچه بیشتر، نهاد مدّاحی را مطرح کرده و سبب ظهور آن بوده و

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۸

هست، مدح اهل بیت علیهم السلام و خصوصاً ذکر مصیبات آن بزرگواران و به ویژه مصایب حضرت سیّدالشهداء علیه السلام است که حتی در مختصرترین صورت آن موجب بهشت می‌شود ولی مدّاحان گرامی از اشعار با معنی و معرفت بخش در ستایش و حمد و تذکّر نعمت‌های الهی و پندآموز برای بیدار کردن مردم و رشد عقلانی و فکری آنها استفاده نمایند.

در پایان این نکته را باید متذکّر شوم که مجالس عزاداری حضرت خامس آل عبا سیّدالشهداء علیه السلام از برترین و با فضیلت‌ترین مجالسی است که فرشتگان الهی در آن افتخار حضور دارند و برای کسب تقرّب مقام در آن شرکت می‌نمایند. مجلس عزاداری و مدّاحی، دارالشفاء و دار الرحمه و دار البرکه می‌باشد و بیماری‌های روحی را شفا می‌دهد.

حضور در این مجالس و عرض ادب به ساحت مقدّس سالار شهیدان را غنیمت شمرده و بر آن شاکر و سپاسگزار باشید.

ای کـاش این حقیر برای جفت کردن کفش عزاداران در آن مجلس توفیـق پیـدا می‌کردم و بـا مـدّاحان و عزاداران در سوگـواری و عرض ادب به محضر مقدّس ثار الله شریک می‌شدم، یا لَیتَنا کُنّا مَعَکم فنَفوز فوزاً عظیماً.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۹

فصل هشتم: احکام عزاداری

مدح اهل بیت

اشاره

بایـد در مدائح أهـل بیت علیهم السـلام از بهترین و رسـاترین مدایـح که مشـتمل بر مضامین صـحیح و اقتباس از آیات و احادیث و نکات شعری ادیبانه و دور از غلوّ استفاده شود."

مدّاحی

س: نظر حضرتعالی در مورد مدّاحی چیست؟ و یک مدّاح أهل بیت علیهم السلام چه خصوصیاتی باید داشته باشد؟

ج: مـدّاحی اهل بیت عصـمت و طهارت علیهم السـلام چنانچه برای خدا باشد عبادت است و أجر عظیم دارد و به همین جهت مداح باید أهل تقوی و مقیّد باشد اشعاری که می‌خواند خلاف واقع و دروغ نباشد و این عبادات را تا می‌تواند به قصد قربت انجام دهد تا از مثوبات آن بر خوردار شود هر چند گرفتن مزد در برابر آن اشکال ندارد.

س: اسـتفاده از عبارت عارفانه و صوفیانه در مـدّاحی و ذکر أهل بیت عصـمت و طهارت چون مستی و می و الفاظی اینگونه که شأن أئمه معصومین علیهم السلام مراعات نشود چه حکمی دارد؟

ج: البته عبـارات و الفـاظ مختلـف است و بطـور کلّی نمی‌تـوان همه را ممنوع شـرعی شـمرد ولی بایـد دقت شود که همه مشـروع و محتوای اسلامی داشته باشد و عرفان مآبی اصطلاحی ترویج نشود که ترویج باطل و حرام است.

س: آیا مداحی که با ریتم موسیقی و به صورت غناءخوانده شود حرام است؟

ج: بلی، حرام است.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۰

سرودن شعر در عزاداری

س: ثواب شعر گفتن در مدح أئمه اطهار علیهم السلام و حضرت علی علیه السلام چیست؟

ج: اشعار در فضیلت و مدائح أهل بیت گفتن برای رضای خدا عبادت محسوب می‌شود و اجر و پاداش آن را خدا می‌داند.

استفاده از منابع تاریخی در عزاداری

س: آیا کتاب روضه الشـهداء مرحوم ملا حسـین کاشـفی و اسرار الشهاده ملا آقای دربندی مشحون از دروغ است و حادثه کربلا به کلّی در این دو کتاب تحریف شده است؟

ج: ما حق نداریم نویسندگان دو کتاب مذکور را متهم به تحریف حادثه کربلاء کنیم و نسبت به مطالبی که در آنها درج شده آنچه

که محتمل الوقوع است و دلیلی بر عدم آن نباشد نمی‌توان انکار کرد و نویسنده را رمی به دروغ نویسی کرد و آنچه که بر حسب دلیل مقطوع العدم باشد نباید نقل شود.

س: مقاتل معتبر اعم از فارسی و عربی از نظر حضرتعالی کدامند؟

ج: از کتبی که در این زمینه مرحوم محدّث آقای شیخ عباس قمی تألیف نموده‌اند و همچنین کتاب قمقام زخّار و کتاب مقتل مرحوم مقرم و کتاب ابصار العین و مقاتل معتبر دیگر استفاده نمائید.

دریافت وجه در عزاداری

س: آیا دریافت وجه توسط مدّاح و سخنران در عوض مداحی و سخنرانی در مجالس عزاداری سیدالشهداء علیه السلام جائز است؟

ج: جائز است.

خواندن روضه های بی اساس

س: خواندن روضه بی‌اساس و یا مشکوک توسط مدّاح و یا سخنران، چه حکمی دارد؟ و اگر روضه بی‌اساس خوانده شد ما چه وظیفه ای داریم؟

ج: خواندن روضه بی اساس جائز نیست و خواندن چیزی که احتمال صحت آن را

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۱

می‌دهد اگر به صورت احتمال باشد اشکال ندارد. شما در هر موردی دروغی از ذاکرین بشنوید بر حسب وظیفه شرعی باید به عنوان نهی از منکر به خود گوینده تذکّر دهید. و همه مکلّفین این وظیفه را دارند ولی تشخیص اینکه آنچه گوینده می‌گوید دروغ است کار هر کس نیست، باید اهل فنّ بگویند.

گریه در عزاداری

س: معنی حدیث «من کشتهٔ اشکم» به نقل از امام حسین علیه السلام چیست؟

ج: معنای حدیث این است که مردم برای کشته شدن من گریه کنند تا به ثوابهای عظیم نائل شوند.

س: گفته می‌شود که حتماً باید آخر مجلس ذکر مصیبت خوانده شود و در این ذکر مصیبت هم نه تنها مردم اشک بریزند که تنها اشک ریختن قبول نیست، باید مجلس از جا کنده شود و شور و واویلا بپا شود، آیا این نقطه ضعف نیست؟

ج: بر حسب روایات ائمه معصومین علیهم السلام گریه بر آن بزرگوار اجر دارد و گریاندن نیز اجر دارد.

صدای گریه بانوان

س: آیا گریه کردن زنها با صدای بلند در مجالس عزای ائمه اطهار علیهم السلام بخصوص حضرت سید الشهداء علیه السلام با توجه به حضور مردان نامحرم در مجلس مذکور جایز است.

ج: اشکال ندارد.

گریبان چاک زدن در عزاداری

س: چاک زدن گریبان و بر سر و صورت زدن در مصیبت امام حسین علیه السلام حکمش چیست؟

ج: بر سر و صورت زدن و گریبان چاك زدن در مصیبت آن بزرگوار مانعی ندارد.

خراشیدن صورت در عزاداری

س: خراشیدن صورت در مراسم عزاداری برای امام حسین علیه السلام در

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۲

صورتی که منجر به کنده شدن پوست و گوشت و جاری شدن خون شود، چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که ضرر معتد به نداشته باشد اشکال ندارد.

پا برهنه راه رفتن در عزاداری

گِل به صورت مالیدن در عزاداری

س: بعض عزاداران به خود گـل می‌مالنـد و یـا اینکه بـا پـای برهنه راه می‌رونـد و بعضـی دیگر طوری دیگر، این نحوه عزادارای چه حکمی دارد؟

ج: اینگونه امور که در محلّی طبق مرسوم آن محلّ به وسـیله آن اظهار حزن و عزا نسبت به سالار شهیدان علیه السلام بنمایند چنانچه ضرر معتد به به جسم و جان نداشته باشد مانعی ندارد.

علامت کشی و چهل چراغ کشی در عزاداری

س: حکم علامت کشی، چهل چراغ کشی و علم‌گردانی و نخل گردانی چیست؟

ج: اشکال ندارد.

برداشتن نخل در عزاداری

س: در ایـام عاشورا هیئت ضـریح ماننـدی بنام نخل ملبّس به ألبسه و أقمشه فاخره می‌کننـد به اسم و رسم عزاداری، پوشـیدن نخل و برداشتن آن چه صورتی دارد؟

ج: عزاداری در أیـام عـاشورا بر حسب متعـارف بلاـد مختلف است. و آنچه در هر بلـدی مصـداق عزاداریست مانعی نـدارد. حسـین الطباطبایی (آیه الله العظمی بروجردی).

بسم الله الرحمن الرحیم. بلی آنچه آن مرحوم اعلی الله مقامه در پاسخ سؤال مذکور فرموده اند مورد تأیید اینجانب است.

سینه زنی

س: آیا ملاک صحیح در کیفیت عزاداری و سینه‌زنی به همان شیوه‌ای که در

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۳

قدیم مرسوم بوده می‌باشد؟ و سینه‌زنی به صورتی که دور می‌چرخند و به هوا می‌پرند، چه حکمی دارد؟

ج: اشکال ندارد ولی مواظب باشید وقار عزاداری مخدوش نشود.

س: آیا سینه زنی به صورتی که از کمر به بالا برهنه شوند، در عزاداری سیّدالشهداء علیه السلام جائز است؟

ج: اگر مستلزم نگاه نامحرم نباشد اشکال ندارد.

س: سینه‌زنی، زنجیرزنی و یا به سر و صورت کوبیدن در خلال عزاداری، به طوری که موجب صدمه، مثلًا مجروح شدن و یا سرخ شدن می‌شود، چه حکمی دارد؟

ج: اگر صدمه معتد به نباشد اشکال ندارد.

شمع روشن کردن در شام غریبان

س: آیا شمع روشن کردن در شام غریبان سیدالشهداء علیه السلام را بلااشکال می‌دانید؟ آیا از مصادیق بدعت نمی باشد؟

ج: اشکال ندارد.

پوشیدن لباس مشکی در عزاداری

س: آیا کراهتی که در پوشیدن مشکی وجود دارد، لباس عزاِی امام حسین علیه‌السلام را هم شامل می‌شود؟

ج: پوشیدن لباس سیاه در عزای امام حسین علیه السلام مانعی ندارد و مطلوب است.

س: آیا نماز خواندن با لباس سیاه مربوط به عزاداری امام حسین علیه السلام مکروه است؟

ج: پوشیدن سیاه در عزاداری سالار شهیدان مطلوب است و کراهت آن جبران می‌شود انشاء الله.

س: آیا وجوهی که برای منظوری خاصّ در عزاداری هدیه شده است را می‌توان در موارد دیگری غیر از آن در عزاداری مصرف نمود؟ مثل پولی که برای غذا و اطعام داده شده و به مصرف خرید لوازم برسد.

ج: صرف وجوهی که مصرفشان مورد خاص است صرف آنها در غیر آن مورد

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۴

جائز نیست و موجب ضمان است.

نذورات عزاداری

س: آیا اطعام و نذری که برای ظهر عاشورا در نظر گرفته شده، را می‌توان در روزهای دیگر محرم انجام داد؟

ج: در فرض سؤال نمی‌توان اطعام و نذر مذکور را در غیر روز عاشوراء انجام دهد.

رفتار محترمانه با عزاداران

س: در بعضی از مجالس عزاداری سالار شهیدان علیه السلام، که پر جمعیت نیز می باشند، دیده شده که خادمین و نوکران ابی عبدالله علیه السلام رفتار ناشایستی با عزاداران دارند، (مثل فریاد زدن، هُل دادن و غیره). این کارها از حیث شرعی چه حکمی دارد؟

ج: باید با عزاداران و مستمعین با ادب رفتار و با احترام پذیرائی شود.

استفاده از عکس و پوستر منسوب به ائمّه علیهم السلام در عزاداری

س: حکم خرید، فروش، چاپ، تولید و یا استفاده از عکس ها و پوسترها یی که از چهره‌ی ائمۀ معصومین علیهم السلام تهیه شده است، چگونه است؟

ج: عکس‌ها و پوسترهای مذکور، مستند صحیحی ندارند خوبست از این عمل خودداری شود.

قضاء شدن نماز و عزاداری

س: وظیفه‌ی کسی که مردّد است بین انجام امور عزاداری تا دیر وقت یا مراقبت بر قضاءنشدن نماز صبح چیست؟

ج: مراقبت بر قضاء نشدن نماز واجب است.

اقامهٔ نماز جماعت در حین عزاداری

س: در ظهر عاشوراء عزاداران برای انجام شور زدن و اظهار حزن آماده می‌شوند و از طرفی وقت نماز ظهر شده، وظیفه مؤمنین چیست؟

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۵

ج: در این موارد باید جمع بین اغراض و کسب فضائل نمود هم برنامه‌ای را که به صورت عزاداری برای حضرت سید الشهداء علیه السلام انجام می‌شود، انجام دهید و هم نماز ظهر را در اول وقت بجا آورید.

تهیه ضریح برای عزاداری

س: در بعضی از مراسم‌ها، شبیه‌سازی انجام می شود، مثل درست کردن قبر مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها و تابوت حضرت رقیه سلام الله علیها، حکم آن چیست؟

ج: اشکال ندارد.

حضور زنان در عزاداری

س: ایستادن و نگاهِ خانم‌ها به مردانی که در خیابان مشغول عزاداری هستند، چه حکمی دارد؟ و مسئولیت دست اندرکارانِ هیئت در این مورد چه مقدار است؟

ج: نگاه کردن خانم‌ها به بدن مردان نامحرم جائز نیست.

س: راه رفتن خانم‌ها در عقب دسته‌های عزاداری چه حکمی دارد؟

ج: اگر مستلزم ارتکاب معصیت نباشد اشکال ندارد.

ایجاد ترافیک با عزاداری

س: راه اندازی دسته‌های عزاداری در کوچه و خیابان که باعث ترافیك می‌شود، چه حکمی دارد؟

ج: در حدّ متعارف ایام عزاداری اشکال ندارد.

س: گاهی از اوقات اقامه عزاداری در کوچه و خیابان موجب می‌شود تا راه اتومبیل‌ها نسبت به مسیر اصلی کمی دورتر شود، آیا چنین کاری جائز است؟

ج: حرکت دسته جمعی عزاداری اشکال ندارد.

عزاداری و اذیّت همسایگان

س: مجالس عزا و هیئاتی که به صورت چادر و خیمه در کوی و خیابان بر پا

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۶

می‌شود، اگر یکی از همسایه‌ها رضایت به این کار نداشته باشد، اقامه مجلس و شرکت در آن چه حکمی دارد؟

ج: این مراسم را به نحوی برگزار کنند که موجب زحمت عابرین و همسایگان نشود.

س: تولید سر و صدا؛ کم یا زیاد، در صورتی که از رضایت همسایگان بی اطلاع هستیم، چه حکمی دارد؟ (آیا رضایت تک تک همسایه‌ها کافی است یا اغلب ایشان)؟

ج: عزت و شأن این برنامه خود مقتضی است که مزاحمت فراهم نشود.

تغییر در نحوه‌ی عزاداری

س: اخیراً مطرح می‌شود که مجالس عزاداری خصوصاً عزای سید الشهداء علیه‌السلام از صورت سنّتی و روضه‌خوانی و استماع آن خارج بشود و به صورت نمایشی و تئاتری در آمد و تبدیل گردد، بلکه به این مطلب اصرار می‌ورزند. نظر مبارکتان را بیان فرمایید.

ج: اقامهٔ عزای آن بزرگوار باید با ذکر مصائب از کتب صحیحه معتبره توسط ذاکرین و علماء محترم با حفظ شئون اهل بیت علیهم السلام باشد و به صورت تئاتر در آوردن معمولًا خالی از لوازم فاسده و غیر شرعی نیست.

س: پیشنهاد می‌شود هدایا و نذورات مربوط به عزاداری که برای روضه خوانی حضرت سیدالشهداء علیه السلام تعیین می‌شود در قالب عزاداری‌های نمایشی و تئاتری مصرف شود، آیا این امر جایز است؟

ج: هدایا و نذور باید در مواردی که مورد نظر هدیه‌دهنده و نذر کننده است مصرف شود و به همان روش معمول سابق باشد.

تعزیه خوانی

س: نظرتان راجع به تعزیه خوانی چیست؟

ج: تعزیه و شبیه خوانی اگر مشتمل بر آلات لهو از قبیل طبل و شیپور و صنج نباشد و اشعار دروغ و غنا نخوانند و مرد لباس زن نپوشد اشکال ندارد.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۷

آلات موسیقی در عزاداری

س: استفاده از آلات موسیقی مثل طبل، صنج، نی، ارگ و مانند آنها در خلال عزاداری چه حکمی دارد؟

ج: جائز نیست.

مردم متوجه باشند که اجر و ثواب بسیار زیادی را که بر اقامه‌ی عزای حضرت و شرکت در مراسم آن بزرگوار است با وارد نمودن محرّمات از بین نبرند، و از هر چیزی که موجب وهن مذهب و وهن مراسم سوگواری می گردد باید اجتناب شود.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۸

شب عاشورا

امشب براستی شب ما روز ماتم است

جان‌ها برنج اندر و دلها پر از غم است

این شام محنت است و یا روز رستخیز

یا خود شب وداع امام معظم است

تنها نه از زمین بفلك می رود فغان

کاندر سپهر نیز بپاشور و ماتم است

حال عزیز فاطمه امشب بکربلا

چون تار موی زینب غمدیده درهم است

امشب گر آسمان بتپد بر زمین رواست

فردا بخون تپان تن سلطان اکرم است

امشب بدشت ماریه زاطفال تشنه کام

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت ؛ ص۵۸

بانگ فغان و ولوله تا چرخ اعظم است

ذرّات عالمند در افغان و ناله چون

ای دیده خون ببار که فردا بزخم شاه

از سمّ اسب سرکش کفار مرهم است

افروخت تشنگی بدلش آتش آنچنان

کاندر بهشت چشم نبی باز چون یم است

شرط است تار هستی از این غم گسیختن

آن را که تار عشق حسینیش محکم است

(صافی) بس است خاک بسر کن که درغمش

ول کسی که خاک بسر کرد آدم است ۲]

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۹

نور چشمان زهرا

حسین ای همایون همای سعادت

حسین ای شه ملک صبر و شهامت

فروغی ز نور تو خورشید رخشان

ز دریای جود تو کوثر حکایت

توئی نور چشمان زهرا و حیدر

گل احمر بوستان رسالت

بپا از قیام تو شد پرچم دین

نگون گشت اعلام کفر وضلالت

رهاندی تو اسلام از چنگ اعدا

فزودیش بر عزت و بر کرامت

جوانمردی و غیرت و همّت تو

ز ناموس دین کرد الحق حمایت

الا ای ولی خدای یگانه

خداوند اقلیم مجد و جلالت

فدا کرد اندر ره دین و قرآن

جوانان و یاران بکوی شهادت

گذشتی هم از اکبر و هم ز اصغر

ز عباس آن درّ بحر شجاعت

زیاران نامی و صحب گرامی

شهیدان شمشیر اهل شقاوت

همه عاشقان وفا و حقیقت

همه رهروان طریق ولایت

همه دشمن ظلم و طغیان و عدوان

همه پیشتازان راه دیانت

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۶۰

شعار همه بود الله اکبر

مرام همه قطع نخل غوایت

بنازم بآن همت عالی تو

به آن صبر و ایمان و آن استقامت

تو اعلام کردی بآزاد مردان

که مرگ است با سربلندی سعادت

بلطف تو دارند چشم شفاعت

عصاه محبان بروز قیامت

فدای سر انور بی تن تو

که بر نیزه می کرد قرآن تلاوت

به قربان آن کودک شیر خوارت

که تیر ستم کرد او را سقایت

ایا مالک ملک حسن و معالی

ایا معدن جود، و فیض، و سخاوت

از این وضع دوران و از شدت دهر

مرا هست بردرگهت بس شکایت

سخن در جناب تو سر بسته گویم

که ابلغ بود از صراحت کنایت

(بلطفی) ببخشی اگر هر دو عالم

نباشد شگفت ای محیط کرامت

نباشد مرا بیم از نار دوزخ

ببینی به من گر بچشم عنایت [۳]

---

[۱] (۱). مثل اینکه این شعر زبان حالشان بود

فَإن تأتوا بِرَملَه أو بِهِنـدنُبایِعُها أَمِیره مُؤمِنِینَا [۲] (۱) اشـعار از دیوان مراثی مرحوم آیت الله آقای آخونـد ملامحمـد جواد صافی والد مؤلف کتاب است.

[۳] (۱) اشعار از مؤلف است

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خـدا جهاد نماییـد؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّـلام): خدا رحم نماید بندهای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشـهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصـفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلـدادگی به اهلبیت (علیهم السـلام) بخصـوص حضـرت علی بن موسـی الرضـا (علیه السـلام) و امـام عصـر (عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف) شـهره بوده و لـذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسـی بنیانگـذار مرکز و راهی شـد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقـات قـائمیه اصـفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسـی تحت اشـراف حضـرت آیت الله حـاج سـید حسن امامی (قـدس سـره الشـریف) و بـا فعـالیت خالصـانه و شـبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشـگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شـیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السـلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه

مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹